

مدخل فلسفه روشنگری

محمد دجانی



کتابخانه

سرشناسه	: خاتمی، محمود، -
عنوان و نام پدیدآور	: مدخل فلسفه روشنگری / محمود خاتمی.
مشخصات نشر	: تهران: نشر علم، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۵۶۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۴-۸۳۴-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: روشنگری Enlightenment
رده	: ۱۳۹۵ م ۲/خ ۸۰۲ BA
ه بندی	: ۹۰۳۳/۱۹۰
شماره ثبت	: ۴۴۲۴۴۸۴ ملی



نشر

مدخل فلسفه روشنگری

محمود خاتمی

چاپ اول: ۱۳۹۵

تیراژ: ۵۵۰ نسخه

لیتوگرافی: کوثر

چاپ: رامین

خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری

بن پست گرانفر، پلاک ۴، تلفن ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۴-۸۳۴-۶

فهرست تفصیلی

مقدمه ۱۳

بخش اول: امور عامه ۲۳

فصل اول: چینی روشنگری ۲۷

الف. اصطلاح روشنگری ۲۷

ب. تعریف روشنگری ۲۹

ج. روشنگری، پروسه یا پروژه؟ ۳۳

دیدگاه اول: روشنگری پروژه و طرح بوده است ۳۴

دیدگاه دوم: روشنگری فرایند و پروسه است ۴۰

دیدگاه سوم: روشنگری نه طرح بوده و نه فرایند واحد ۴۵

دیدگاه چهارم و مختار ۴۸

فصل دوم: زمینه‌های ظهور روشنگری ۵۳

الف. زمینه‌های مذهبی و اجتماعی ۵۱

ب. زمینه‌های سیاسی ۶۴

ج. زمینه‌های اقتصادی ۸۹

د. زمینه‌های علمی و فلسفی ۹۴

(۱) علوم غریبه ۹۷

(۲) فلسفه و علم جدید ۱۰۱

بخش دوم: تاریخ روشنگری ۱۲۵

فصل سوم: روشنگری در انگلستان و فرانسه ۱۲۹

الف. زمینه‌ها ۱۲۹

ب. راسیونالیسم دکارتی ۱۳۷

ج. آمپریسم بریتانیایی ۱۵۹

د. دئیسم ۱۷۲

فصل چهارم: روشنگری در بلاد پروس ۱۸۱

الف. روشنگری دینی ۱۸۵

ب. روشنگری اجتماعی ۱۹۷

ج. روشنگری فلسفی ۲۱۲

بخش سوم: فلسفه روشنگری ۲۲۷

باب اول از بخش سوم: فلسفه روشنگری: روح مشترک ۲۳۱

فصل پنجم: روحیه کلی فلسفی حاکم بر دوران روشنگری ۲۳۳

۱. سیادت اومانیته ۲۳۴

۲. استقلال عقل ۲۳۶

فصل ششم: اصول و مشترکات فلسفی در دوران روشنگری ۲۴۱

۱. اصل اول: عقلانیت ۲۴۱

۲. اصل دوم: پیشرفت ۲۴۴

۳. اصل سوم: جهان وطنی ۲۵۴

۴. اصل چهارم: مدارا و تسامح ۲۶۰

۵. اصل پنجم: تحلیل طبیعت ۲۶۷

باب دوم از بخش سوم: فلسفه روشنگری: رهیافت ها و مکاتب ۲۷۹

مقصد اول از باب دوم: فلسفه روشنگری: ناتورالیسم ۲۸۳

فصل هفتم: فلسفه روشنگری: ناتورالیسم تحلیلی ۲۸۷

فصل هشتم: فلسفه روشنگری: ناتورالیسم روانی ۳۰۱

مقصد دوم از باب دوم: فلسفه روشنگری: ایدئالیسم ۳۲۱

فصل نهم: فلسفه روشنگری: ایدئالیسم عقلی ۳۲۵

فصل دهم: فلسفه روشنگری: ایدئالیسم تجربی ۳۳۹

فصل یازدهم: ایدئالیسم استعلایی: کانت و تفسیر روشنگری ۳۵۳

مقدمات ۳۵۳

تفسیر کانت از روشنگری ۳۶۳

الف. رساله: پاسخ به پرسش روشنگری چیست؟ ۳۶۴

ب. نظام ایدئالیسم عقلانی کانت و اصول روشنگری ۳۶۷

مقصد سوم از باب دوم: فلسفه روشنگری: سیاست، اقتصاد و فرهنگ ۳۹۹

فصل دوازدهم: فلسفه روشنگری: سیاست ۴۰۱

الف. نظریه لیبرال حکومت مروط ۴۰۲

(ب) نظریه حکومت جمهوری ۴۰۹

(ج) حکومت استبدادی روشنگر ۴۱۸

فصل سیزدهم: فلسفه روشنگری: اقتصاد ۴۲۹

الف. فیزیوکراسی فرانسوا کنسی ۴۳۵

ب. اندیویدوالیسم اقتصادی ادم اسمیت ۴۴۰

فصل چهاردهم: فلسفه روشنگری: فرهنگ ۴۴۷

الف. تأسیس نظام آموزش و پرورش مدرن ۴۵۰

ب. انقلاب صنعتی ۴۵۷

بخش چهارم: پایان دوران روشنگری ۴۶۳

الف. جریان مخالف روشنگری ۴۶۷

ب. جریان مدافع روشنگری ۴۶۸

فصل پانزدهم: مخالفت با روشنگری: اندیشه رمانتیک ۴۶۹

الف. مسأله ایمان ۴۶۹

ب. نهضت آشوب و غوغا ۴۸۳

ج. اندیشه رمانتیک ۴۹۴

د. تفسیر رمانتیک طبیعت ۴۹۹

اصول اول: نفی اطلاق عقلانیت ۴۹۹

اصول دوم: نفی الگوی علمی ۵۰۷

اصول سوم: شخصیت فردی ۵۱۲

ب. تفسیر رمانتیک تاریخ ۵۲۳

فصل شانزدهم: دفاع از روشنگری: توماس ای. الیسم ۵۲۹

الف. ایدئالیسم سوپرکتیو ۵۳۱

ب. ایدئالیسم مطلق ۵۴۴

تفسیر مگکل از روشنگری ۵۵۰

الف. تفسیر روشنگری در کتاب تاریخ فلسفه ۵۵۱

ب. طرح کلی نظام مگکل و اصول روشنگری ۵۵۸

روشنگری عنوان عامی است برای مجموعه‌ای از فعالیت‌های فلسفی، علمی، اجتماعی، فرهنگی، ادبی، هنری، دینی و سیاسی که زمان‌هایش قبل از قرن هیجدهم فراهم شد، ولی شکوفایی آن در قرن هیجدهم و در اروپا بوده، و ثمرات آن هم در قرون بعد حاصل شده و در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم ظهور کرده است. اجمالاً در این تصویر عام رکنی همه مورخان و فلاسفه متفق‌النظرند. اما در نحوه ورود به بحث و پرداختن تفصیلی به روشنگری و تفصیل مطالب، هم به لحاظ صورت بحث و هم به لحاظ ماده و مسائل، بین مورخان و فلاسفه اختلاف و شکاف است. مورخان عمدتاً روشنگری را از این حیث که پدیده‌ای تاریخی است مطالعه می‌کنند، و فلاسفه آن را از این حیث که پدیده‌ای فلسفی است. البته تشخیص مانی هم هستند که این پدیده را از حیث سیاسی، یا اجتماعی و یا دینی بررسی کرده‌اند. لذا تقریرها و سبک و روش‌ها بسیار متنوع و گاه متعارض و متباعد است. اما تا آن جا که به موضوع بحث ما مربوط می‌شود به طور خلاصه می‌توان گفت که لاقلاً سه سبک یا رهیافت در بررسی و مواجهه با پدیده روشنگری وجود دارد:

(۱) رهیافت فلسفی؛

(۲) رهیافت تاریخی؛

(۳) رهیافت ترکیبی.

توضیح مختصر و نمونه هایی از هر کدام می آوریم، و سپس رهیافتی را که در این بحث اتخاذ می کنیم مشخص می نماییم.

(۱) رهیافت فلسفی

مفسران فلسفه روشنگری، روشنگری را پدیده ای فلسفی تلقی می کنند. این مفسران می گویند که آن را مجموعه ای از اصول و آرمان هایی می دانند که در قالب یا قالب های مفهومی تنظیم شده اند، و مسائل مختلفی مطابق و متناسب با آن مطرح بوده یا شده، و روش هایی هم برای حل این مسائل ایجاد یا اتخاذ شده تا آن اصول و اهداف تأمین و تحقیق شوند. البته بدیهیست که فلاسفه منکر زمینه های تاریخی در حدوث نهضت روشنگری نبوده و نیستند، اما در بحث های خود آن زمینه ها را نادیده می گیرند و مباحث روشنگری را به صورت انتزاعی مطرح می کنند و معمولاً بدون نظر به تاریخ وقایع و حوادثی که روشنگری در ظرف مکانی و زمانی آن ها ظهور کرده، به بحث در باره مسائل و فلاسفه مورد بحث در آن دوره پرداخته اند. گویا این پیش فرض در اذهان ایشان مسلم بوده که این پدیده فلسفی به هر دلیل تاریخی حادث شده باشد از حیث تاریخی برای فلسفه موضوعیت ندارد، بلکه از حیث همان اصول و آرمان ها و مسائل و

روش و نظام های مفهومی اهمیت دارند. النهایه برخی فلاسفه، وضعیت و نسبت های فلسفی روشنگری را با دوران های پیش و پس از آن می سنجند و از تأثیرگذاری آن بر تحولات فلسفه در ادوار بعدی بحث می کنند. حتی فیلسوفانی که تاریخ فلسفه نوشته اند و از احاطه زمانی هم به تاریخ روشنگری نزدیک بوده اند، آن را پدیده ای فلسفی و فکری دانسته اند و به صورت انتزاعی به آن پرداخته اند. از جمله مهم ترین نمونه ها برای این مدعا می توان به هگل اشاره کرد که علیرغم توجه کامل به تاریخ و دوران خود داشته و روشنگری آلمانی و وقایع دوران را هم درک کرده و ناظر وقایع فرانسه هم بوده، مع ذلک بسیار انتزاعی و تزیینی فلسفه خود و البته به زبان فنی خود در باره آن بحث کرده است. ^۱ بعداً در خلال بحث های خود به تفصیل به نظر او در مورد روشنگری خواهیم پرداخت، و خواهیم دید که تفسیر او از روشنگری تا چه اندازه فلسفی و انتزاعی است. نمونه دیگر از معاریف فلاسفه، ویلهلم ویندلباند، ^۲ مهم ترین سیدوف مکتب نوکانتی بادن است که در کتاب تاریخ فلسفه ^۳ خود باب مستقلی تحت عنوان فلسفه روشنگری دارد، اما باز او هم روشنگری را پدیده ای فلسفی تلقی کرده و به تحلیل فلسفی آن پرداخته است؛ به همین دلیل

^۱ Wilhelm Windelband (1848–1915)

^۲ Windelband W., *History of Philosophy*. London, 1901.

و با همین تلقی، ویندلباند در بخش پنجم از کتاب خود، روشنگری را از حیث نظری و عملی بررسی کرده و در هر مورد مسائل اصلی مورد بحث را آورده و در باره آن ها مطالبی گفته است. مثلاً مسائل نظری روشنگری را کلاً در سه عنوان اصلی خلاصه کرده که عبارتند از بحث در ایده های فطری، علم ما به عالم خارج و دین طبیعی؛ در حوزه عمل هم مباحث روشنگری را به دو حوزه اخلاقیات و تمدن منحصر کرده و به جواب فلسفی این مباحث پرداخته است. ویندلباند، چنان که از مطالبی که طرح و بحث کرده معلوم است، کلاً از این صرف نظر کرده است که روشنگری را علاوه بر این که پدیده ای فلسفی بوده، محصولی تاریخی هم باشد که زمینه های اجتماعی و فرهنگی خاصی داشته و عوامل مختلفی در حدوث آن دخیل بوده اند. نمونه دیگر ارنست کسیرر^۱ از مهم ترین فلاسفه نوکانتی مکتب ماربورگ است که در کتاب خود به نام فلسفه روشنگری^۲ به باز سازی فلسفه روشنگری و مسائل آن پرداخته و تاریخ و دقایق بسیاری را در ضمن تحقیقات خود آورده و کوشیده است به روح و فضای فلسفی این دوران، و مسائل و دغدغه های فیلسوفان روشنگری را معلوم کند. با این همه، او نیز روشنگری را پدیده ای فلسفی تلقی

^۱ Ernst Cassirer (1874 – 1945)

^۲ *The Philosophy of the Enlightenment*. Trans. Frits C.A. Koelln and James P. Pettegrove. Princeton 1951.

کرده و با این تلقی به فلسفه آن پرداخته است. ما در ضمن بحث های آینده از آراء او در این اثر و آثار دیگر او که مرتبط با بحث روشنگری اند یاد خواهیم کرد. نمونه دیگر، یوهان اردمان^۱ فیلسوف معروف نوهگلی قرن نوزدهم است که در جلد دوم از کتاب تاریخ فلسفه^۲ خود متعرض بحث های مربوط به روشنگری فرانسوی و آلمانی، و فلسفه این دوران شده، ولی او هم روشنگری را به عنوان پدیده از تاریخ بحث نکرده، و اگر هم متذکر وقایع تاریخی شده، همه به تاریخ فلسفه مربوط کند و نه به تاریخ تمدن این دوران. البته اسلوب او در این کتاب مناسبت ویندلباند در کتاب تاریخ فلسفه در طرح و بحث فلاسفه مسائل تاریخ فلسفه بدیع است، و ما در بحث های آتی خود مباحثی از این کتاب اردمان را تفصیلاً تقریر و از آن استفاده خواهیم کرد. بسیاری از خنجران دیگر هم که اهل فلسفه بوده اند و بعداً در قرن بیستم در نسب استقلال و یا در کتب تاریخ فلسفه به این پدیده پرداخته اند، باز به آن «فأثر دید فلسفی نگاه کردند و آن را از حیث این که پدیده ای فلسفی است بحث کردند. برای نمونه آیزیا برلین^۳ که در حوزه تاریخ ایده ها تحقیق

^۱ Johann Eduard Erdmann (1805–1892)

^۲ *A History of Philosophy*, trans. W. S. Hough. London 1897. 3 vols., vol. II.

^۳ Isaiah Berlin (1909–1997)

می کرده، در هر دو کتابی که در مورد روشنگری از او منتشر شده،^۱ و یا مثلاً فردریک کاپلستون^۲ که جلد ششم تاریخ فلسفه^۳ خود را به روشنگری اختصاص داده چنین کرده و بر همان شیوه بوده اند.

(۱) رهیافت تاریخی

نظریه رهیافت تاریخی در این جا این است که پدیده روشنگری یک پدیده تاریخی به معنی عام کلمه تلقی شود و با روش و شیوه های معمول و مرسوم تاریخی بررسی و مطالعه شود، و در ضمن این بررسی و مطالعه بستر ظهور این پدیده، و زمینه ها و عوامل مختلفی که در پیدایش و شکل گیری این پدیده مدخلیت داشته اند معلوم گردند. به این معنی، مورخان روشنگری و تاریخ تمدن غرب که به این پدیده پرداخته اند، آن را پدیدان تاریخی، به معنی عام کلمه، تلقی می کنند و معمولاً به فرایند شکل گیری بستر تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و دینی و فرهنگی روشنگری و علل و رخدادهای آن و زمینه ها و جوانب و عواقب تاریخی آن می پردازند. و طبعاً

^۱ *The Age of Enlightenment: The 18th Century Philosophers* New American Library, 1984. *Three Critics of the Enlightenment: Vico, Hamann, Herder*, ed. H. Hardy. Princeton 2000.

^۲ Frederick Charles Copleston (1907-1994)

^۳ *A History of Philosophy*. London 1946-75. 9 vols., vol. VI.

روشنگری را به صورت یک پدیده تاریخی بررسی نموده و ارزیابی می کنند، و در این بررسی و ارزیابی هم معیارهای خود را دارند که البته از معیارهای فلسفی بدور و با آن متفاوت است. البته غالباً این مورخان، در سطح کلیات و تا جایی که به تحلیل تاریخی این پدیده تمسک نمایند و روش های تاریخی اقتضا کنند، ذکری از اصول و آرمان های روشنگری می کنند؛ اما به آراء فلاسفه و نسبت های تاریخی آن یکا بگر در این دوران و نسبت آن آراء با فلسفه های پیش از آن تمسک پیدا نکنند. بدیهیست که در این تحلیل محتوای فلسفی این پدیده نادیده گرفته می شود. این مطلب در مورد غالب مورخان که یا کتبی مستقلاً در مورد تاریخ روشنگری نوشته و یا ضمن کتب تاریخ تمدن غرب در باره روشنگری بحث کرده اند، صادق است. از باب نمونه می توان به بحث هایی اشاره کرد که در باره روشنگری در مجموعه ای مرجع آمده که دانشگاه کمبیا در تاریخ تمدن منتشر کرده است.^۱ هر چند فصولی از این مجموعه از منابع اصلی این درس است و ما تحلیل های تاریخی مربوط به روشنگری این مجموعه را تقریر و استفاده خواهیم کرد، اما باید توجه داشت که رهیافت این

^۱ *Columbia Introduction to Contemporary Civilization in the West: A Source Book; Chapters in Western Civilizations*, Prepared by the Contemporary Civilization Staff of Columbia College, Columbia University, New York 1948-1960, 2 vols.

مجموعه به پدیده روشنگری تاریخی است؛ و مانند این نمونه آثار بسیاری از مورخان وجود دارد که با این تلقی و رهیافت در باره روشنگری نوشته شده اند.

(۳) رهیافت ترکیبی

مراد از رهیافت ترکیبی در این جا این است که در مطالعه پدیده روشنگری آن پدیده از جوانب مختلف مورد توجه قرار گیرد؛ یعنی هم به عنوان پدیده تاریخی به معنی عام که شامل زمینه ها و ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است بررسی شود و هم از آن حیث که پدیده ای فلسفی است، و در این حال این پدیده فلسفی در آن بستر تاریخی مطالعه شود. برخی از نویسندگان تاریخ تمدن و برخی از متخصصان و محققان متأخر در باره روشنگری از چنین رهیافتی استفاده کرده اند. از نمونه های کارایی که در تاریخ تمدن با چنین رهیافتی وجود دارد کتاب تاریخ تمدن وین دورانت^۱ است که ما در خلال مباحث خود از آن هم استفاده می کنیم. مباحث دورانت در مورد روشنگری، به دلیل روش و ذائقه نویسنده با تفصیل فراوان و ذکر جزئیات و شرح وقایع متعدد تاریخی همراه شده که گاه اطنابش

^۱ William James Durant (1885-1981)

^۲ *The Story of Civilization*, New York: Simon & Schuster, 1935-1975. 11 vols.

هم ممل است، و لذا این مباحث به تفریق و به صورت پراکنده و در خلال مجلدات هفتم تا یازدهم آمده اند؛ با این همه، چون نویسنده آن در وهله اول اهل فلسفه و مشرف به تاریخ و آراء فلاسفه بوده، در مباحث مربوط به روشنگری هم ضمن بحث های تاریخی به مناسبت بحث فلسفی ورود کرده و آراء فلاسفه این دوران را هم در کنار سایر مباحث ذکر نموده است. نمونه دیگری که از کارهایی که با روش برکس به مطالعه پدیده روشنگری پرداخته، مجموعه کارهای درخشان و دم نظریست که پیتزگی^۱ مورخ نامدار دوران روشنگری در این مورد نوشته است و ما در خلال مباحث آتی خود از آن هم بهره می بریم. گوی با این که مورخ بود ولی از همان زمان که در مورد ولتر تحقیق می کرده،^۲ به فلاسفه دوران روشنگری و آراء آن ها و نسبت آن ها با یونان و روم توجه داشت. در تحقیق این نسبت متضلع بوده، و لذا در همه کارهایی که در مورد روشنگری دارد، از جمله در اثر نفیس خود به نام تفسیر روشنگری،^۳ به فلاسفه این دوران و ایده های آنان هم توجه دارد، و بخصوص در تحقیق نسبت های تاریخ

^۱ Peter Joachim Fröhlich Gay (1923 – 2015)

^۲ *Voltaire's Politics: the Poet as Realist*, Princeton University Press, 1959.

^۳ *The Enlightenment: An Interpretation: vol I: The Rise of Modern Paganism*, 1966; *The Enlightenment: An Interpretation: The Science of Freedom*, 1969.

عالم روشنگری با ادوار تاریخی پیش از آن، چنان که اهل نظر اظهار نظر کرده اند، کم نظیر است.

یکی از ویژگی های بارز این روش ترکیبی ظرفیت هایی است که این روش در طرح بحث های تاریخی و بازسازی عالم روشنگری را از تصویری چند بعدی از روح این عالم و دوران دارد. ما هم در این درس و مباحثی که در مورد روشنگری خواهیم داشت، تلاش می کنیم که از این روش ترکیبی استفاده کنیم، و هر دو جنبه تاریخی (به معنی عام)، فلسفی این پدیده را در نظر گیریم، و ابعاد مختلف و مباحث مربوط به جنبه های این پدیده را بر اساس این منابع تاریخی و منابع فلسفی و تاریخ فلسفه که ذکر کردیم و منابع دیگری که در خلال بحث ذکر می کنیم، تلخیص و تألیف کنیم، و تصویر روشنی از این پدیده، زمینه ها و ابعاد و وجه های آن ترسیم کنیم؛ غرض اصلی ما در این درس قالب بندی اندیشه فلسفی روشنگری در این بستر تاریخی به معنی عام، و با توجه به زمینه ها، ابعاد، ملل، مذهب و موجد و فضای کلی آن دوران است.